

پید از زاویه‌های غلطی مانند پان‌ایران‌یسم و... نگر نیست، فنگ و تاریخ‌شان ده‌ها قرن، پیش‌تر از این مدارج نازل الای انسانی (فراتر از نژاد و سرزمین و...) دست‌یازیده‌اند. اد دانشگاه تهران، دکتر محمد اسحاقی، به بنیادها و سلامی و چشم‌انداز روشن و امیدبخش این حرکت بزرگ ده‌ایم!

مسلمان [از آن جنبه فطری در نظر می‌گیرد] سخن می‌گوید. بعد براساس همین آموزه‌های اسلامی از شمای نوعی و دیگران (سایر ادیان و اقوام) هم دعوت می‌کند. یعنی اصلاحد و مرز ندارد. این بعد اسلامی اش است. در بعد دومش یعنی ملی‌که زبان فارسی و ایرانیت است باز هم دعوت‌کننده‌است. با وجود تقسیمات و خطوطی‌که قدرت‌های بزرگ کشیده‌اند امانت‌واستند بین ملت‌ها مرز بکشند. پس ایران دعوت‌کننده همه کسانی است که در حوزه ایران بزرگ فرهنگی هستند. زیرا ویژگی‌های ملت بزرگ ایران فقط به مرز ایران عزیز ما منحصر نمی‌شود. در افغانستان [خراسان بزرگ یا آریانا یا پامیر]، در تاجیکستان، در باکو و در بقیه ملت‌های ایران فرهنگی هم هست، بنابراین ایران معاصر می‌گوید بیایید ما با شما هستیم.

لای شعرهای ما را نگاه کنید شعر از شور و شعور گرفته می‌شود و شعور از کجا می‌آید از آن مایه‌ها و داشته‌های یک چنین ملتی‌که فرهیختگانی مثل مولوی، سعدی، حافظ، بیدل و... می‌پرورد.

کار این شاعران همین است که آن مایه‌ها و داشته‌ها را تبدیل به هنر با نظم و نثر می‌کنند و آن پیام‌ها در اصل، دعوت همه انسان‌هاست، یعنی شما مثنوی مولوی و سعدی را بخوانی درمی‌یابی‌که همه را دعوت می‌کند. فقط یک ترجمه از برگزیده شعرهای مولوی در دیوان شمس که چندان خیلی عالی نبود دیدید که در قلب تمدن معاصر چه طوفانی به پا کرد!

حالا شمای نوعی مگر می‌توانید با هر روشی، حافظ را از قرآن یا سعدی را از اهل بیت (ع) دور کنید و ایرانی و ایرانیت را در مقابل اسلام قرار دهید. این عجیب نیست که شما فردوسی را نمی‌توانید از حب علی و حب اهل بیت (ع) جدا کنید. در این صورت همان‌گونه که شما هم تاکید دارید، با داشتن چنین نگاهی واقعا ایرانی نیستند. این هویت ملی دینی قابل تفکیک نیست. همان‌گونه که گفتیم استعمار، جنگ‌افروزی هویتی هم دارد و این جنگ هویت فقط مال امروز هم نبوده است.

لای یاد کنیم از تجربه عبرت‌انگیز و هشداردهنده انگلستان. زمانی‌که وارد هند می‌شود، ۵۰ سال هیچ اقدامی انجام نمی‌دهد و فقط شناسایی و مطالعه و بررسی می‌کند و زیرنظر می‌گیرد همین گاندی ظاهرا ضدانگلیسی اما به شدت انگلیسی‌مآب در راستای اهداف استعمار زبان فارسی را برمی‌اندازد و انگلیسی را قانونا جایگزین می‌کند. جنگ هویتی را از گذشته راه انداخته‌اند برای استعمار که مقدمه‌ای است برای استعمار؛ دقت می‌فرمایید! در حقیقت کشیدن و خشکاندن خون و شیره جان یک ملت است؛ فقط بحث غارت منابع مادی نیست که بردند و خودشان را تقویت کردند و رشد اقتصادی دادند.

استعمار همین الان در نقطه‌ای که ما در اکنون هستیم باز همین جنگ هویتی را علیه همه ملت‌ها به‌ویژه ملت ما در انداخت. مثلا هالیوود با انواع و اقسام برنامه‌ها و رسانه‌ها، همه ملت‌ها را هدف قرار داده؛ ولی رأس آنها و هدف‌شان ملت ایران است. به خاطر این‌که داشته‌های قبلی را می‌بینند و نسبت به پایداری مان کینه دارند. می‌بینیم که هرگز در این دشمنی نه متوقف شدند نه عقب‌نشینی کردند. ما این کشنگری دشمنانه و دافعه را از آنها می‌بینیم و بعد شمای نوعی از ایران، دعوت دیگران را می‌بینید؛ به همین دلیل آنها علیه ملت ایران بیشتر مؤلفه‌های هویتی ایرانی را هدف قرار داده‌اند.

گفتیم اسلام جذاب است، پس همه ملت‌های مسلمان و فراتر حتی دیگران را هم دعوت می‌کند بر پایه فراخوان قرآنی که بیایید با همدیگر در آنجا و بر آن مبناک اشتراک داریم به هم بپیوندیم. حتی اگر مخاطب بی‌دین باشد می‌گوید یا در دین با همدیگر برادریم یا در خلقت، زیرا همه انسان هستیم، سومین ویژگی، بعد انقلابی بودن است. این ویژگی‌ها ملت‌ها را بیدار می‌کند. نویدبخش ملت‌هاست. به‌ویژه در زمانی که می‌گفتند دین اقیون ملت‌هاست و نمی‌تواند محرک اجتماعی

بشود تاجه برسد به انقلاب. دیدند یک انقلابی براساس دین صورت می‌گیرد که همه را به معنویت و دین دعوت می‌کند و استعمار و قدرت‌های بزرگ و سلطه‌گر را ضد ملت‌ها می‌بیند که این پیام انقلاب ما برای همه، راهی تازه است. ویژگی‌ها و مؤلفه‌های هویت ملی ایران و انقلابش این چنین جاذبه‌ای دارد، ملتی است که در این ادعای خودش استوار بوده که مجددا برای نجات بشریت برنامه و طرح دارد. نسبت به ملت‌ها و داشته‌های

## دکتر محمد اسحاقی معتقد است هویت ملی ایرانی‌ها

## از هویت دینی آنها قابل تفکیک نیست

آنها چشمداشتی ندارد و فقط احساس مسئولیت ملی و انسانی و جهانی دارد.

اگر من ایرانی، دستاوردهایی در حوزه‌های فناوری و نوآوری‌هایی که در حوزه‌های علمی نوظهور داشته باشم در خدمت ملت‌ها می‌گذارم؛ آرتایید علمی، روش قدرت‌های استکباری است که ملت‌ها را از بعضی رشته‌ها محروم می‌کنند.

این آرتایید علمی، تهدیدی است که وجود دارد. ولی ملت ایران نشان داد که اعتقاد دارد به این که علم و دانشی که الان جهان از آن برخوردار است در هر سطحی میراث همه ملت‌هاست و در حقیقت یک میراث جهانی است. حضرت آقادر بیانیه‌گام دوم انقلاب می‌فرمایند: خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی، طلیعه ظهور و برنامه نجات جهان است. این حرکت به سمت تمدن نوین اسلام است. همچنین در مواجهه با تمدن غربی، آرمانی را انتخاب کردند که باید به سویش برویم. این چشم‌انداز تمدنی شورآور، شوق‌انگیز، حرکت‌آور و انگیزه‌بخش است. پس هدف‌گذاری‌های کلان به زبان ساده چنین کارکردی دارد: راه، طولانی ولی شدنی است.

آمریکایی‌ها انسان‌ها را از آفریقا می‌ربودند و... آمریکا با ظلم و ستم و قتل و خون و غارت ساخته شد. معلوم است که از این تمدن توحش می‌بارد و از توحش نوین نیز جنایت می‌بارد. می‌بینید وقتی [قصاب غزه] به کنگره آمریکا می‌رود یک ساعت برایش کف و سوت می‌زنند برای جنایتکاری که بیش از ۶۰ هزار نفر آدم را کشته که سه چهارم‌شان زن و کودک هستند. نژادپرستی در غرب در حال احیاست. در ظاهر بحث حقوق بشر می‌کنند و از تنوع فرهنگی و حقوق انسان‌ها می‌گویند. بنابراین خبری از این تمدن برای انسانیت در نمی‌آید.

در جهت کلی، فناوری و علم و فناوری تمدن پیشرفت می‌کند ولی این در خدمت انسان و انسانیت و رشد معنویت و کرامت قرار نمی‌گیرد. تمدن اسلامی به دنبال این است که این آورده‌های خودش را در اختیار دیگران قرار دهد، چون این خیر مشترک، این نشر علم و فناوری فریضه علی‌کل مسلم و مسلمه است.

پس اگر من رشد اقتصادی پیدا می‌کنم به ملت‌های دیگر نباید ضرر بزنم و برای منفعت خودم منافع‌شان را از بین ببرم، بنابراین ما می‌توانیم وارد گفتمان علمی شویم و با ملت‌های مسلمان و همسایه همکاری کنیم.

در حوزه علم و فناوری حضرت آقا می‌فرمایند باید مرجعیت علمی پیدا کنیم، یعنی باید به جایی برسیم که دانش بومی و علم نو تولید کنیم و زبان علم باید زبان فارسی باشد. رهبر معظم انقلاب به‌عنوان ولی فقیه، زبان فارسی را یک نشانه هویتی ملی ایران به‌عنوان زبان تمدنی و زبان تمدن نوین اسلامی مطرح می‌کند. چه کسی بیشتر از ولی فقیه نسبت به پاسداشت زبان فارسی، تکریم و حمایت از آن اهتمام ورزیده؟

لای دوران پهلوی اول و دوم را که ببینیم، درمی‌یابیم که اتفاقا اولین چیزی که اینها نداشتند باور به ملت است.

امام (ره) و رهبری به اولین چیزی که باور دارند مردم است. شما نگاه کنید به نظر پهلوی‌ها و سردمداران‌شان نسبت به مردم ایران. رهبر معظم انقلاب مرجعیت علمی را بیان کردند، چون شما اگر برآتید تا حرکت تمدنی آغاز کنید باید حرکت‌های بزرگ علمی را در اولویت قرار دهید. علی‌رغم آپارتاید علمی، فشارها، ترور و همه برنامه‌هایی که داشتند این ملت خواست و توانست چون آن هویت بیدار شده است. اگر آن هویت بیدار نشود حرکتی شکل نمی‌گیرد.

برای رسیدن به جایگاه مرجعیت علمی باید به سمت برپایی تمدن حرکت کنیم و البته که می‌توانیم؛ زیرا در وضعیت کنونی، هیچ چیزی کم نداریم. استعداد داریم، از نظر ضربه هوشی بالا هستیم، در زمینه فناوری‌ها، نوآوری‌ها، توانمندی‌ها، علم نافع و ... همگی دارای قابلیت‌های بالایی هستیم.

لای این‌ها واقعیت‌هایی است که باید برای مردم به‌ویژه جوان‌ها بیان شود؛ یعنی آن جهاد روشنگری و تبیین مورد نظر مقام عظمای ولایت را به رساترین شکل طرح بریزیم. ما قبول داریم همه چیزها براساس یک نقشه الهی است و خداوند اراده خودش را برای اداره جهان در قالب

## فرهنگ

CULTURE

چهارشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۴ ■ شماره ۷۰۳۷

سنت‌هایش جاری می‌کند و بر پایه همین سنت‌های الهی است که انسان‌ها اگر تلاش کنند به اهداف‌شان می‌رسند. یک ملت مادامی که خودش را تغییر ندهد، خداوند هم سرنوشتش را تغییر نخواهد داد. ملتی با ویژگی‌هایی که بیان شد، رهبرانی داشته و دارد که از دل ملت برخاسته و همراهی و همگامی و همنشینی با ملت دارند. همراهی امت و امام حقیقت‌یابی‌نظیر است.

ویژگی دیگر، ارزش‌های دینی است. این سه مؤلفه (ملت، رهبر و ارزش‌ها و آرمان‌ها) در کنار هم، انقلاب را شکل دادند و مسیری روشن و مشخص را فراهم کردند. این سه‌گانه درواقع به‌صورت مستمر و هم‌راستا در حال بازتولید حرکت به سمت برپایی تمدن نوین است. در این مسیر موانع و مشکلات هست اما سنت الهی بر این است که شما باید تلاش کنید تا به جلو بروید. هرگز این‌گونه نیست که همه چیز فراهم باشد و بعد رشد و شکوفایی اتفاق بیفتد. اصولا رشد در سختی‌هاست؛ لقد خلق الانسان فی کبد. البته ملت‌های غربی هم که پیشرفت کردند با سختی‌ها پیشرفت کردند و با تلاش دانشمندان و فن‌آوران‌شان به جلو رفتند.

لای تمام تلاش دشمنان این است که این تصویر امیدبخش انقلاب ایران و این پیشرفت و موفقیت را به یک تجربه تلخ یا ناکامی تبدیل کند تا ملت‌های دیگر هیچ‌وقت در این مسیر قرار نگیرند. یعنی به سمت احیای هویت خودشان حرکت نکنند و روی پای خودشان نایستند و ایستادگی و کرامت خودشان را باز نیابند.

انقلاب اسلامی مردم ایران علی‌رغم مخالفت‌ها، مشکلات، نارسایی‌های داخلی و بیرونی، همچنین انواع موانع سخت و نرمی که به‌وجود آمده به شکلی مستمر، مسیر خودش را باز کرده و می‌کند.

ما اکنون به قدرت علمی قابل توجهی دست یافته‌ایم و در بسیاری از رشته‌های علمی، مرزی از دانش وجود ندارد که ایرانیان در دوران پس از انقلاب در آنها پیشرفت نکرده باشند. البته هنوز جای پیشرفت بیشتری وجود دارد. نکته قابل توجه این است که این دستاوردها بر سرمایه‌گذاری اندکی حاصل شده‌است. رهبر معظم انقلاب تمام‌قد، پای پیشرفت علمی کشور ایستاده‌اند که تاکید می‌فرمایند من تا آخرین نفس از جریان علمی کشور حمایت می‌کنم، که همین ایستادگی و داشتن برنامه، مبنی بر نقشه جامع علمی برای احراز مرجعیت علمی از سوی ایشان باعث شده که حرکت علمی و دانشوری در ایران اسلامی پیش برود و البته تغییر دولت‌ها هیچ تاثیری در روند افزایشی آن نگذاشته، به گونه‌ای که با این رشد علمی به‌عنوان یک درصد جمعیت جهان، بیش از ۲ درصد تولید علم جهانی را انجام می‌دهیم. درحالی‌که اول انقلاب، بنا به شاخص‌های تولید علم، ایران به‌اضافه عراق یک‌صدم درصد در تولید دانش سهم داشت که اصلا دیده نمی‌شد.

لای چشم‌اندازی که مقام معظم رهبری ترسیم می‌کنند، امیدوارانه و امیدبخش است، اما درعین‌حال بر اساس واقعیت‌ها استوار است و نگاه‌شان به آینده بسیار واقع‌بینانه است. همین واقع‌بینی سبب می‌شود که پرسش از نارسایی‌ها و چرایی‌های آنها مطرح شود. با وجود تلاش‌ها، پیگیری‌ها و رهنمودهای امام(ره) و مقام معظم رهبری، بازم شاهد کم‌کاری‌ها و نارسایی‌هایی هستیم.

در حقیقت ما فساد سیستمی نداریم هرچند فساد، انحراف و ناهنجاری هست، برای این‌که در یک جریان بزرگ مثل چنین انقلابی که یک ملت بزرگ راه‌انداخته با این ساختار وسیع معمولاً دشمنان و افرادی ناهمسو نفوذ و سوءاستفاده می‌کنند. در نظام اسلامی، امکان بروز فساد هست ولی اولا زمینه‌اش را نباید فراهم آورد و تقویت کرد. نباید زمینه‌سازی برای ایجاد نارسایی در میان باشد و ثانيا باید به مقابله با زمینه‌های فساد و نارسایی پرداخت.

ولی این اختاپوس هزار بازو به قول معروف چون منافع زیادی برای برخی دارد با روش‌های مختلف دوباره سر برمی‌آورد! و همین، کار را حقیقتا سخت می‌کند. بنابراین شمای نوعی همیشه باید بیدار باشید.

در اقتصاد و همه ابعاد دیگر بایستی انقلابی عمل کنیم؛ روش انقلابی یعنی بر مبنای عقلانیت، خستگی‌ناپذیری و داشتن برنامه و تدبیر بتوانید مسیر را پیداکنید. زیرا انقلابی، ایستایی و خستگی ندارد و کار را عبادت می‌شمارد. این مشکلاتی هم که هست اتفاقا از آن روست که ما از فرمول یا نظریه‌ای عدول کرده یا می‌کنیم که انقلاب اسلامی بر آن استوار بوده و مبتنی بر داشته‌های خودی و خواست ملی است یا گاهی اوقات، منتظر نسخه‌های دیگران می‌شویم اما به جای درمان به قول معروف «از قضا سرکنجبین صفرافزود».

درست است که باید از تجربه‌های جهانی استفاده کنیم اما آن بهره‌برداری از تجربه جهانی باید به گونه‌ای باشد که مدل بومی خودمان هم بتواند آن را بپذیرد.



**انقلاب اسلامی مردم ایران علی‌رغم مخالفت‌ها، مشکلات، نارسایی‌های داخلی و بیرونی، همچنین انواع موانع سخت و نرمی که به‌وجود آمده به شکلی مستمر، مسیر خودش را باز کرده و می‌کند**

